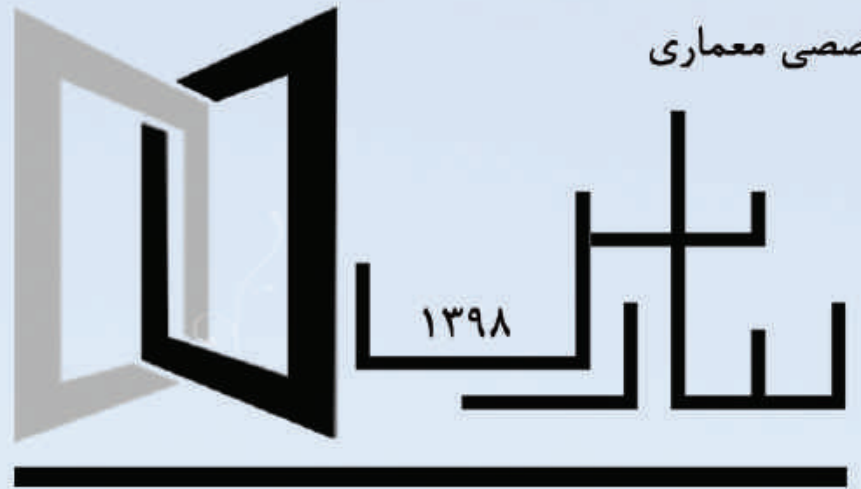




پیش شماره ۱

گاه نامه تخصصی معماری



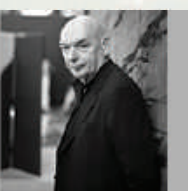
دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب  
مهر ۱۳۹۹ صفرالمظفر ۱۴۴۲



## در این پیش شماره میخوانید:

معماری اسلامی یا معماری ایرانی در دوره ی اسلامی؟  
آزادی نشانه ی شهری؛ والسلام!  
لو کوربوزیه و داستان رادیانت سیتی  
کانسپت همیشه لازم است؟  
ویژه نامه هنری این شماره: گلچهره میپرس!

Jean nouvel: نخستین وظیفه ی معمار قرار دادن چیزها در جای خودشان است



# فهرست

- ۱ معرفی نامه نشریه
- ۲ لوکور بوزیه و داستان رادیانت سیتی
- ۳ معماری اسلامی یا معماری ایرانی در دوره اسلامی؟
- ۴ کانسپت همیشه لازم است؟
- ۵ آزادی، نشانه شهری؛ والسلام!
- ۶ ویژه نامه هنری : گلچهره میپرس!



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرصتی نصیب شده است تا در برای اعتلای فرهنگ و هنر بکوشیم. دست در دست یکدیگر برای معمار و معماری به پا خواسته و خلا ندانستن را تا حد امکان از بین ببریم. زیر سایه ی یگانه معمار هستی، می کوشیم تا بدانند و بدانیم؛ بخوانند و بخوانیم! و کدام

در راستای این هدف در بطن تحقیق و جستجو از تمامی دانشکده ها و دانشگاه ها دعوت بعمل آورده و در کنار یکدیگر تلاش خواهیم کرد. تلاش میکنیم در هر شماره کاستی های خویش را جبران و گاه نامه ای معتبر تر به رشته تحریر در آوریم. پیشاپیش از شما برای

## مسئولین و اعضای نشریه ی تخصصی معماری نیارش

مدیر مسئول و صاحب امتیاز نشریه : امیرعلی خیر خواهان  
سردبیر نشریه: علی قاندي  
اعضای فعال بخش تحقیق و معماری :  
مهشید خزاعی، الهام مختاری (دانشکده معماری داخلی بخش هنر)  
یگانه اسداللهی، محدثه میرقاسمی، میلاد زارعی، الهام فقیهی، علی قاندي، آرین مهرابی، اسری  
فخرایی (دانشکده هنر و معماری بخش مهندسی)  
بخش ویراست و تطبیق نوشتار نشریه:  
محمد صالح سعیدی (دانشکده کامپیوتر دانشگاه شریف)  
عرفان اسماعیلی شیرازی (دانشکده کامپیوتر دانشگاه آزاد کرج)  
محمد جواد عظیمی (دانشکده کامپیوتر دانشگاه آزاد واحد مرکزی)  
امیرعلی خیر خواهان (دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد واحد تهران غرب)  
اعضای گروه تحقیق و جستجوی غیر مرتبط:  
حسین ریحانی (دانشکده شیمی دانشگاه شهید بهشتی)، راحیل فراهانی و فاطمه برزگر (دانشکده  
علوم اجتماعی دانشگاه تهران)، فاطمه اسماعیلی (دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی)

راه های ارتباطی با مجموعه:

ایمیل سردبیر مجموعه: [alighaedi115@gmail.com](mailto:alighaedi115@gmail.com)

ایمیل مدیر مسئول نشریه : [amiralikh118@gmail.com](mailto:amiralikh118@gmail.com)

ایمیل مجموعه و نشریه ی نیارش: [niareshpublication@gmail.com](mailto:niareshpublication@gmail.com)





## لوکوربوزیه و داستان رادیانت سیتی!

شهر درخشان (ville radieuse) یک شهر ساخته نشده با معماری لوکوربوزیه است که در سال ۱۹۲۴ از طرح آن پرده برداری و در سال ۱۹۳۳ در کتابی با همین نام با اطلاعات کامل منتشر شد. این شهر به نحوی طراحی شده بود که بتواند علاوه بر حفظ کردن ارزش های مهم حمل و نقل ارزش ویژه ای نیز به فضای سبز و نور طبیعی بدهد. شهر آینده لوکوربوزیه نه تنها سبک زندگی بهتری را در اختیار ساکنان آن قرار میداد بلکه به ایجاد جامعه ای بهتر نیز کمک ویژه ای میکرد. اصول پیشنهادی لوکوربوزیه:

۱. تقارن

۲. استاندارد

۳. نظم

۴. رادیکال بودن

۵. آرمانگرا بودن

بود که منجر به ایجاد و توسعه شهر آینده و مسکن هایی جدید با تراکم بالا شد. مطابق با آرمان های مدرنیستی پیشرفت (که خواهان نابودی سنت ها بودند) شهر درخشان از یک تبلور فکری ظهور کرد.

این شهر نباید در چیزی جز زمینهای تخریب شده شهرهای اروپایی ساخته شود. شهر جدید شامل آسمان خراش های پیش ساخته ای با چگالی جمعیتی بالاست که در یک منطقه وسیع گسترش یافته و در یک شبکه دکارتی مرتب شده اند و به شهر امکان میدهند به مانند یک ماشین زنده عمل کند.

لوکوربوزیه:

شهر های امروزی در حال مرگ هستند چرا که برنامه ریزی آن ها هندسی نیست ، نتیجه چیدمان واقعی هندسی تکرار است و نتیجه تکرار یک استاندارد یک فرم عالی!

در هسته طراحی پلان شهر لوکوربوزیه مفهوم طبقه بندی (zoning) قرار داشت . یعنی تقسیم شهر به مناطق اداری ، تجاری ، تفریحی و مسکونی.

منطقه تجاری و اداری در مرکز شهر واقع شده و شامل آسمان خراش های بسیار بزرگی است که ارتفاع هر یک از آنان به ۲۰۰ متر میرسد که گنجایش ۵۰۰۰ تا ۸۰۰۰۰۰ نفر را دارند.

عرشه اصلی حمل و نقل در مرکز شهر واقع شده که در زیر آن یک سیستم قطار زیرزمینی گسترده شده که مردم را به مناطق مسکونی منتقل میکند.

مناطق مسکونی شامل ساختمان هایی از پیش ساخته می شدند که به (unités) معروف بودند. با رسیدن هر یک از این یونیت ها به ارتفاع ۵۰ متر می توانست ۲۷۰۰ نفر را در داخل خود جای دهد و به عنوان دهکده هایی عمودی عمل کنند. امکانات پذیرایی و لباسشویی در همکف و مهدکودک و استخر در پشت بام و پارک ها در میان یونیت ها برای استفاده حداکثری از نور خورشید قرار می گرفتند.







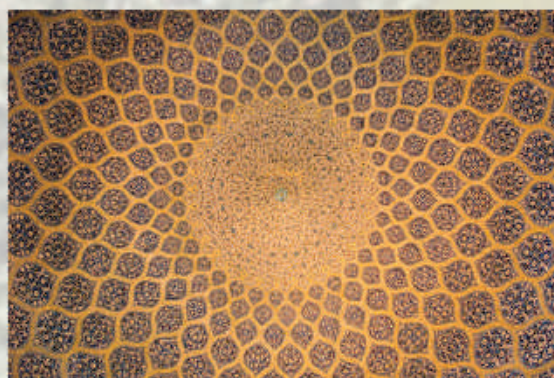
## معماری اسلامی یا معماری ایرانی در دوره ی اسلامی؟

نتیجه گیری کلی از مباحث تفکیکی معماری برای هر محصلی کار سختی خواهد بود اما نباید از آن دست کشید چرا که معمار شدن را به اختیار انتخاب کرد ایم . برای ارزش گذاری هر علم و شیوه ای کاربردی که بشر برای راحتی خویش آنرا ابداع میکند باید نظر متخصصان در آن رشته را پرسید؛ اما قسمت سخت ماجرا آنجاست که ستون های علمی یک کشور نظراتی متفاوت برای یک امر ارائه کنند . در بحث تشخیص دوره های معماری میتوان گفت اکثر معماران بر یک نظر استوارند که ما دوره ای به اسم (معماری اسلامی) نداریم.

برای مثال جناب مهندس عطاالله امیدوار معتقد است اصلا اصول مدونی برای معماری در دوره ی اسلام تا ۳۰۰ سال بعد از بعثت هم موجود نیست . ایشان هم چنین موضوع این نوع معماری کردن را بروز متفاوت ملزومات دینی پذیرفته شده توسط جامعه در هنر معماری می داند این نظر کمی نیازمند بررسی بیشتر است چرا که وجه های تاریخی و فرهنگی آن هنوز ناشناخته است. دبیر اسبق فصلنامه معماری و ساختمان سرکار خانم افتخار زاده ذات هنر اسلامی در دوره ی ایران را یک نوع پذیرش کلی فرهنگی میدانند ، بدانگونه که ارزش های ایرانیان برای ساختمان تغییر کرده و حتی تفکر معماری آمیخته با تفکر اسلام میشود؛ اما به هیچ عنوان نمیتوان چنین فنی را معماری اسلامی دانست چرا که در زمان عمر بن خطاب خلیفه ثانی مسلمین هجومی گسترده با وحشی گری کامل به سمت ایران، مصر و یمن و در ادامه آندلس صورت میگیرد، اعراب بعد از دیدن تمدن بزرگی مانند ایران درصدد برمی آیند تا ارزش های ساختاری خود را با این پیشرفت ها گره بزنند فی المثل ابداع مسجد که به دست محمد(ص) صورت گرفت در بنای کلی یک زمین با دیوار و سقف برای انجام اعمال عبادی بود اما پس از آشنایی با ساختار های ساختمانی ایرانی اعراب این مکان را دستخوش تغییراتی کردن که نمونه های آن همچنان باقی است و قابل مشاهده می باشد . پس این هنر یک هنر قرضی برای مسلمانان است چرا اعراب در کی از هنر و فرهنگ نداشته اند و تنها پس از حمله از فن معماری ایرانی برای اهداف و سازه های اسلامی استفاده کردند.

ایشان در ادامه میگویند حتی این اصطلاح معماری اسلامی ساخته ی غربی هاست! چرا که ایران قبل از آندلس فتح شد و اعراب مسلمان با دانش معماری ایران به آنجا رفتند پس طبیعی است که اهل اسپانیا این معماری را اسلامی بدانند اما در اصل این معماری مخلوطی از تمامی معماری های سرزمین های فتح شده به دست مسلمانان است که ایران سهم بخصوصی در آن ها دارد. در انتها میتوان نتیجه گرفت که قاعده ی ساختار اسلامی برای معماری کردن با زور اعراب بر ایرانیان تحمیل و بعد از پذیرفتن شیعه و چشیدن لذت فلسفه و عرفان اسلام و آشنایی با ارزش های انسانی آن، ایرانیان خود تمایل به آن پیدا کردند و شروطی را از همین قضا یا به معماری ابنیه سنتی اضافه کردند.

برای نتیجه گیری کلی میتوان این تشبیه را به کار برد: معماری ایران دختری است که بعد از شناختن پارچه ای جدید (مفاهیم عمیق دینی) برای خود زیبا ترین لباس را دوخته است.



فلسفه از کثرت تا وحدت در معماری ایرانی



صورت و تمثال حذف و گیاهان نقش اصلی در تزییات را داشتند



شمسه ها نمادی از ایران باستان در دوره ی معماری اسلامی





## کانسپت همیشه لازم است؟



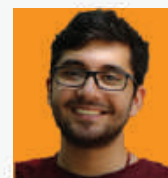
برای تولید هر نوع محتوا اعم از توده های ساختمانی یا حتی نظام های فکری نیاز مند خلاقیت ویژه ای هستیم که تنها در اثر طوفان اطلاعاتی در دیتا بیس ذهنی اتفاق می افتد. یک رویه ی کاملاً مثبت از جهت نظام بندی فکری و ذهنی که باعث نمود یک تاثیر دائمی یا موقت میشود. اما سوال اصلی اینجا مطرح میشود که: آیا میشود بدون داشتن یک طرح خام در نمودار ذهنی یک شاکله ی منسجم و پایدار ادامه مسیر ایجاد کرد؟ جواب کاملاً مشخص است. خیر چرا که بدون داشتن یک ریتم اطلاعاتی از نواحی خام مرتبط با موضوع امکان درک درست از روابط و طراحی درست ممکن نیست، غالباً انسان در راستای اهداف نیاز به یک جرعه ی ذهنی دارد که عمداً از تفکر درباره موضوع اتفاق می افتد. جرعه های فکری دسته بندی شده و بر اساس طراحی مورد نظر مورد استفاده قرار میگیرند. اما ارتباط این پدیده های لحظه ای با کانسپت چیست؟



کانسپت در اصل یک نوع پرداخت فکری به مسئله با رویکرد خلاقانه است، در اصل اتفاق حاصل یک نوع برداشت از عملکرد، شکل، و یا حتی نحوه ی اجرای یک روش ساده است. و در اصل یک جرعه ی ذهنی پیشرفته به حساب می آید. آنکه یک کانسپت مرتبط با موضوع میتواند از جرعه های پیاپی و بی ربط تشکیل شود یک اصل بدیهی است که به آزمون و خطا معروف است اما اینبار در ذهن و به صورت خلاصه تر بدون اتلاف وقت اتفاق می افتد کانسپت یک نمونه کامل از تفکر همه جانبه با دید کلی نسبت به کل داده هاست. و حالا میشود به سوال اصلی پاسخ داد که آیا میشود یک فعل بدون داشتن ایده ی ناظر یا کانسپت عملی شود؟ یا برآستی کانسپت واقعاً لازم است؟ کانسپت چو ال کار کردن یک نوع نگرش به حل مشکل است. لازم نیست اما به قدر کفایت کافی است یعنی میتوان گفت اگر نگرش ما به حل موضوعات با استفاده از کانسپت باشد ما در اصل از یک روش غنی استفاده کرده ایم و این یک انتخاب است که آیا پرداخت ذهنی من به این نوع نگرش نزدیک است یا خیر را پاسخ میدهد

اگر برآورد فکری من یک مجموعه تکه تکه و پله پله با عناصر مرتبط یا متضاد حول یک محور فکری را خواستار است، این روش میتواند بسیار مفید دقیق و عالی باشد. اما لفظ لازم را نمیشود بکار برد در دنیای خلاقیت انتهایی برای ایجاد کردن و از بین بردن وجود ندارد ما تصمیم میگیریم و عمل میکنیم. تمامی فرآیندها بر اساس میزان و انتخاب ما پدید می آیند

امیرعلی خیرخواهان  
کارشناسی مهندسی معماری



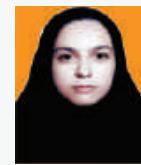
در ادامه میشود افزود که این نوع انتخاب در نحوه ی برخورد با مشکلات (مسائل) در اشل بسیار بزرگ تر، تنها میتواند یک راه حل ساده تر باشد یا در نوع کلی یک مسیر منطقی تر برای بعضی از مسائل پیش رو باشد.

این نوع انتخاب به هیچ عنوان تعیین کننده ی ارزش راه حل یا ایده پرداز یا طرح معرفی شده در هیچ عنوان و رشته ای نیست. فی المثل ساختمانی که بدون کانسپت و با نگرشی عملکردی ساخته شده است میتواند بسیار با ارزش تر و در عین حال ممکن است بلعکس این موضوع اتفاق بیافتد. این روش که معماران جوان تصور میکنند باید برای یک کار پخته و عالی لزوماً باید کانسپت داشت نهایت اشتباه است.

تدریس شیوه های عملکردی در دانشگاه ها به مراتب کمتر است چرا که دانشجوی در ۴ سال کارشناسی موظف به ساختن ذهنی قوی و توده ای ساختارهای کانسپتی است که بعد ها به عنوان جعبه ابزار به کمک او خواهد آمد اما خارج از این چهارچوب کار کردن غلطی فاحش و کاری بی اعتبار نیست.

در سایر رشته ها نیز باید روش های معمول و نا متعارف (از دید اساتید) بسیار باشد اما نتیجه، زمان صرف شده، میزان دقت و زیبایی کار، نشانگر انتخاب درست طراح (حلال مشکلات) و ارزش نهایی محصول (راه حل یافت شده) میباشد





## آزادی نشانه شهری؛ والسلام!

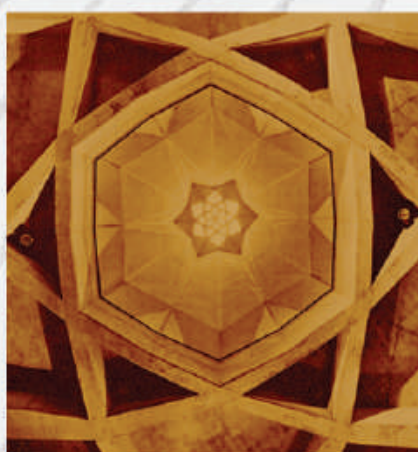
هویت یکی از مهم ترین نیازهای بافت شهری است که در راستای شناخت صحیح و تقویت آن، نمادها و نشانه ها نقش بسزایی را ایفا میکنند. این فضاها، با ایجاد حس تعلق و توانایی مسیریابی، همچنین تفکیک شهرها در ذهن افراد، موجب درک هر چه بیشتر تمدن شهری و هویت آن میشود. امروزه با گسترش پدیده جهانی سازی در جوامع در حال توسعه، این نشانه ها، به صورت متعدد در شهرها به چشم میخورد. حال موضوع حائز اهمیت تشخیص درست نمادها و ارزش گذاری مناسب با توجه به بار هویتی هر یک می باشد.

با توجه به نظرسنجی انجام شده از ساکنین شهر تهران، بیش از نیمی از شهروندان (۵۲.۹٪) برج آزادی، (۳۳.۴٪) برج میلاد و (۱۱.۱٪) پل طبیعت را بعنوان نماد و نشانه شهر تهران، در نظر گرفته اند. البته در این میان عده ای نیز، به مواردی دیگری همچون شمس العماره، دروازه تهران و... اشاره نمودند.

برج آزادی بعنوان نماد ایران مدرن، نماد شهر تهران و نشانه ای از دروازه تمدن بزرگ شناخته میشود. این برج در سال ۱۳۴۹ توسط معمار ایرانی، حسین امانت با عنوان نمادشناسایی ایران طراحی و ساخته شد. به گفته او این اثر به گونه ای طراحی شده که معطوف به حقیقت، جوهره و عمق فرهنگ ایران است و در زمان طراحی، نظر او به تمام دوره های تاریخی و آینده ایران متمرکز شده و به وضع سیاسی خاص حاکم در آن زمان اشاره ای



او با مبنا قرار دادن تاریخ درخشان ایران، ادبیات، هنر، معماری همچنین فرهنگ غنی ایران شروع به طراحی این برج نموده است. در ادامه به معماری این برج که تلفیقی از معماری هخامنشی، ساسانی و معماری اسلامی است، اشاره خواهیم نمود. در این برج، خطوط موازی و کشیده پایه های یادآور سبک معماری هخامنشی و کاشی کاری فیروزه ای نیز نمونه ای از معماری دوره صفوی می باشد. قوس بیضی شکل برج، یادآور طاق کسری و شیارهای بالای آن نیز نمادی از بادگیرهای یزد است؛ همچنین قوس بالایی که یک قوس شکسته می باشد، مربوط به معماری اسلامی بوده و رسمی سازی بین این دو قوس نیز از گنبد مساجد ایران که نشانه نبوغ ایرانی می باشد، الهام گرفته شده است. نقش های داخلی برج نیز تلفیقی از سنت و مدرنیسم می باشد. در رابطه با فضای اطراف برج نیز، طرح آبنما و فواره ها از باغ های ایرانی متأثر بوده؛ همچنین نقوش میدان که باغچه و گلکاری ها را شکل میدهد، از طرح داخلی گنبد مسجد شیخ لطف الله اصفهان ایده گرفته شده است. با توجه به پیشروی جوامع، سازه های جدیدی در تهران همچون برج میلاد با امید نماد بخشی پا به عرصه گذاشته اند. هر چند دارا نبودن ویژگیهای کافی برای هویت بخشی، باعث باقی ماندن برج آزادی همچنان به عنوان نماد شهر تهران شده است.



به عنوان نمونه برج آزادی ( شهیاد ) بعنوان نماد مرکزیت شناخته میشود. دلیل آن مقصد بودن در تظاهرات، راهپیمایی ها و محل برگزاری سخنرانی ها در خاتمه این مراسم میباشد. همچنین این برج، حال و هوای مکانی قدرتمند را القا میکند. انرژی ناشی از صدها هزار نفر که در میدان جمع میشوند در بنا طنین انداز شده و آن را به نمادی زنده تبدیل میکند. اما این ویژگی در برج میلاد به چشم نمیخورد.



این برج نماد محور بوده و سعی در ایجاد پیوند آسمان و زمین دارد. موقعیت مکانی و برنامه ریزی آن مانع کارهای بزرگ و جمعی شده و با وجود کاربری های متنوع همچون مخابرات، دفاتر کار و مرکز خرید و... آن را کماکان به یک مجموعه بسته و اختصاصی تبدیل کرده است. زنده بودن برج آزادی، نه بعنوان کاربری هایی مثل موزه یا دروازه بلکه بدلیل حضور توده مردم، صداها و جنبششان است. هر چند به نظر میرسد برج آزادی یک نماد ۵۰ ساله و کلاسیک بوده و برج میلاد نماد نوین شهر تهران می باشد. در رابطه با پل طبیعت نیز به دلیل ویژگی های ساختاری و ظاهری آن نه تنها جزئی از طبیعت دیده نمیشود بلکه در تقابل با آن نیز میباشد. همچنین بدلیل عدم داشتن بار هویتی لازم که نشان دهد، هویت خاص شهری تهران میباشد، ویژگی های کافی برای مقایسه با برج آزادی را دارا نیست.

با توجه به بار هویتی و معنایی هر یک از سازه هایی که در نظر ساکنین شهر تهران، نشانه شهری شمرده میشود همچنین در نظر گرفتن این موضوع که نشانه بودن بنا صرفاً مدرن بودن آن نبوده و بنا باید حامل بار هویتی و فرهنگی آن جامعه باشد به نظر میرسد برج آزادی نماد و نشانه ای غنی تر و معمارانه تر از تمامی موارد ذکر شده است.





## گلچهره می‌رس؛ آن نغمه سرا از تو چرا جدا شد

نمونه آثار مهم:



گلبنگ شجریان ۱۳۵۷



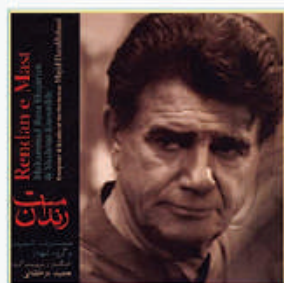
بیداد ۱۳۶۴



دود و عود ۱۳۶۶



شب، سکوت، کویر ۱۳۷۷



زندان مست ۱۳۸۸

در یکم مهر ماه سال هزار و سیصد و نوزده در توابع خراسان پسری دنیا آمد که بعد ها فخر اصالت هنر ایرانی و آواز اصیل ایرانی شد. زمان کم کم محمد رضای جوان را برای لقب (خسرو آواز ایران) آماده میکرد.

از کودکی در معیت پدر به قرائت قرآن پرداخت و در قرائت عربی تحریر های بی نظیری اجرا میکرد. رفته رفته روح هنری اش او را به سمت پرورش خویش میکشاند. چند سالی در اردکان معلم بود و با عشق کار میکرد. به کشاورزی علاقه داشت و در میوه ها به خربزه دلبستگی بسیار داشت. میوه های خوب را میشناخت و در باغ خودش بسیاری از صیفیجات و میوه ها را خودش میکاشت. ستور را آغاز کرد و بعد از درجه استادی به تدریس آن نیز پرداخت. آواز را تازه شروع کرده بود و به علت نارضایتی پدر با نام مستعار سیاوش بیدکانی در رادیو فعالیت میکرد. بعد از رضایت پدر نام شجریان در کنار آوای آشنای دیروز قرار گرفت و بسیار جلب توجه میکرد، همکاری با اساتید بزرگی همچون فرامرز پایور، جلیل شهنواز، پرویز مشکاتیان، و... او را قدرتمند تر و جایگاهش را محکم تر ساخت. قدرتی عجیب در حنجره ی مردی بود که بسیار زمانی را در کوه به قدری میخواند که بعد از خانه رسیدن از درد دیافراگم تا چند روز برای بهبودی استراحت میکرد. دلیل آنهمه تلاش را اینگه عنوان میکرد: فردوسی زبان را نجات داد و من بایستی آواز را نجات میدادم. حالا او به نابغه ی عصر خود در آواز بدل شده بود و همتایی نداشت.

چندی بعد در تمام دنیا او را میشناختند. فرزنداناش همایون و مژگان هم با تعلیم خودش در راه آواز قدم گذاشتند.

نظرات سیاسی اش غوغا به پا کرده بود و بعد از ۸۸ در ممنوع صدایی تا انتهای عمر ماند.

استاد فرزانه آواز در هفدهم سال هزار سیصد و نود و نه جهان را از نعمت صدایش محروم کرد.



محمد علی

فقدان خسرو آواز را به ملت ایران تسلیت میگوئیم